



ترجمہ و شرح دعای چهل و ہفتم صحیفہ سجادیہ

روز عرفہ

فاطمہ پورشفیع

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

تابستان ۹۷

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي يَوْمِ عَرَفَةَ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

سپاس خدایی را که پروردگار جن و انس و دنیا و آخرت است.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بَدِيْعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ،

بار الها، حمد و ستایش مخصوص توست که آسمان ها و زمین را خلق کردی.

ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ،

ای صاحب بزرگی و کرامت

رَبِّ الْأَرْبَابِ،

مدیر و مدبّر - مربی ، مربیان

وَ إِلَهَ كُلِّ مَلْأُوهُ،

معبود هر معبودی - تفسیر اله کسی است که خلق از درک چیستی و چگونگی او با حس یا با وهم ناتوان اند.

وَ خَالِقَ كُلِّ مَخْلُوقٍ،

خالق هر مخلوقی

وَ وَاْرثَ كُلَّ شَيْءٍ، أَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ،

و وارث همه چیز که مانند ندارند.

وَ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ عِلْمُ شَيْءٍ،

از او هیچ علمی پوشیده نشده

وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ،

و او بر هر چیزی احاطه دارد.

وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَّقِيبٌ

و او همه چیز را نگهدار است.

**عرفه چیست؟**

رسول خدا(ص) فرمود: عرفه کلاًها موقف؛ همه جای عرفات موقف است. (الموطأ ج ۱ ص ۳۸۸ ح ۱۶۶)

امام صادق(ع) فرمود: پیامبر (ص) در عرفات وقوف کرد همین که خورشید خواست غروب کند ، قبل از غروب چنین دعا کرد ،خدایا از فقر از پراکندگی کار و از شر آنچه در شب و روز پیش آید ، به تو پناه می برم - ظلم را به پناه عفو تو آورده ام و بیم را به پناه امان تو ، خواری ام را پناهنده بر عزت تو ساخته ام و چهره فانی ام را در پناه ذات باقی تو قرار داده ام ، ای بهترین کسی که از او می خواهند ! ای بهترین کسی که می بخشد ! جامه رحمت و عاقبت را بر من بیوشان و شر همه آفریده هایت را از من بگردان . (حکمتنامه پیامبر اعظم(ص))

پیامبر(ص) فرمود: برخی از گناهان جز در عرفات بخشوده نمی شوند.(الجعفریات ص ۶۵)

پیامبر خدا(ص) فرمود: غروب عرفه ، خداوند به وسیله اهل عرفه بر فرشتگان افتخار می کند و می فرماید : به بندگانم بنگرید که ژولیده و غبار آلود نزد من آمده اند.(مسند ابن حنبل ج ۲ ص ۶۹۲ ح ۷۱۱۱)

خداوند می فرماید: لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَادْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ (بقره ۱۹۸)

باکی نیست که در هنگام حج کسب معاش کرده و از فضل خدا روزی طلبید، پس آن گاه که از عرفات بازگشتید در مشعر ذکر خدا کنید و به یاد خدا باشید که شما را پس از آنکه به ضلالت (کفر) بودید به راه هدایت آورد.

**کلیات خدا شناسی:**

اعتقاد به وجود خدا ، اصل مشترک میان همه شرایع آسمانی می باشد.

کسانی که می خواهند از طریق تفکر و استدلال خدا را بشناسند و شک و تردیدهای احتمالی را از ذهن بزدايند راههایی وجود دارد که مهمترین آن عباتند از :

۱- فطرت انسانی ، ندایی که او را بسوی مبدء آفرینش فرا می خواند.

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (روم ۳۰)

پس تو مستقیم روی به جانب آیین پاک اسلام آور در حالی که از همه کیشها روی به خدا آری، و پیوسته از طریقه دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است پیروی کن که هیچ تغییری در خلقت خدا نباید داد، این است آیین استوار حق، و لیکن اکثر مردم (از حقیقت آن) آگاه نیستند.

۲- مطالعه عالم طبیعت و تأمل در شگفتیهای آن .

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ

محققا در خلقت آسمانها و زمین و رفت و آمد شب و روز دلایل روشنی است برای خردمندان عالم.

**مراتب توحید:**

**توحید ذاتی :**

الف: ذات خداوند یکتا و بی همتاست و برای آن ماندنی متصوّر نیست.

ب: ذات خداوند بسیط است و کثرت در آن راه ندارد یعنی نه در خارج و نه در وهم و نه در عقل برای او جزء متصوّر نیست.

پس با این استدلال تثلیث مسیحیت (خدای پدر - خدای پسر - خدای روح القدس) از نظر منطق اسلامی باطل است. این استدلال با توحید ذاتی مخالف است.

**توحید در صفات ذات:**

ما خدا را واجد همه صفات کمالی می دانیم. عالم- قادر - حی - سمیع- بصیر-... این صفات از نظر مفهوم با یکدیگر تفاوت دارند و آنچه را که ما از کلمه "عالم" می فهمیم غیر آن چیزی است که از واژه " قادر " درک می کنیم.

این صفات مزبور در عین اخلاف در مفهوم ، در مقام عینیت وحدت دارند و به تعبیر دیگر ، ذات خداوند در عین بساطت همه این کمالات را دارا می باشد و آنچنان نیست که بخشی از ذات خدا را علم ، بخش دیگر را قدرت و بخش سوم را حیات تشکیل دهد بلکه به قول و تعبیر محققان، بل هو علمٌ کُلُّه و قدره کُلُّه و حیاة کُلُّه (صدرالمؤمنین - اسفار اربعه ج ۶ ص ۱۳۵)

بنابراین صفات ذاتی خداوند، در عین قدیم و ازلی بودن ، عین ذات او می باشد، و نظریه کسانی که می گویند صفات خدا زاید بر ذات است را نمی پذیرند.

"و کمال الاخلاص له نفی الصفات عنه ، لشهادة کلِّ بصفة إنَّها غیرُ الموصوف و شهادة کُلِّ موصوف إنَّها غیرُ الصفة (نهج البلاغه خ ۱)

کمال اخلاص در توحید این است که صفات (زائد بر ذات) را از او نفی کنیم ، زیرا هر صفتی بر تغایرش با موصوف ، و هر موصوفی بر جداییش از صفت گواهی می دهد.

### توحید در خالقیت:

جز خداوند آفریدگار دیگری وجود ندارد.

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (رعد ۱۶)

بگو که آفریننده آسمانها و زمین کیست؟ بگو: خداست، پس بگو: آیا شما خدا را گذارده و غیر خدا (مانند بتان و فرعونان) را برای نگرهبانی و یاری خود برگزفتید در صورتی که آنها بر سود و زیان خود هم آیا چشم نابینا (ی جاهل) و دیده بینا (ی عالم) یکسان است؟ یا ظلمات (شرک و :قادر نیستند؟ آن گاه بگو بت پرستی) با نور (معرفت و خدا پرستی) مساوی است؟ یا آنکه این مشرکان شریکانی برای خدا قرار دادند که آنها هم مانند خدا چیزی خلق کردند و بر مشرکان، خلق خدا و خلق شریکان خدا مشتبه گردید؟ (هرگز چنین نیست) بگو: تنها خدا خالق هر چیز است و او خدای یکتایی است که همه عالم مقهور اراده اوست.

نقش انسان در این آفریده شدن این است که ؛ وی موجودی مختار و صاحب اراده است و در فعل خود به تقدیر الهی ، نقش تصمیم گیری دارد، و شکل پذیری فعل از نظر طاعت و معصیت مربوط به نحوه تصمیم گیری و اراده اوست.

## توحید در عبادت:

اصل مشترک میان تمام شرایع آسمانی است. "وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ....." (نحل ۳۶)

و همانا ما در میان هر امتی پیغمبری فرستادیم که خدای یکتا را پرستید و از بتان و فرعونان دوری کنید، پس بعضی مردم را خدا هدایت کرد و بعضی دیگر ضلالت و گمراهی بر آنان حتمی شد،... عبادت و پرستش از غیر خدا نفی و نهی شده است. انسان باید در مقابل موجودی که مانند ندارد و یکتاست خضوع کند و بداند که او بطور مستقل سرنوشت جهان یا انسان و یا بخشی از سرنوشت آن دو را در دست دارد و به تعبیر دیگر "رب" او مالک جهان و انسان است. خداوند وجودی نامتناهی است و از همه چیز آگاه است.

## توحید در ربوبیت و تدبیر جهان و انسان:

توحید ربوبی دو قلمرو دارد:

۱. تدبیر تکوینی

۲-تدبیر تشریحی

تدبیر تکوینی، تدبیر جهان و زندگی انسان در دست اوست. تدبیر تکوینی، کارگردانی جهان آفرینش است. ایجاد و احداث، فعل خداوند یکتاست، مثلاً مشرکان عصر ابراهیم خلیل(ع) تنها به یک خالق اعتقاد داشتند ولی به غلط می پنداشتند که ستاره، ماه، یا خورشید ارباب و مدبر جهانند و مناظره ابراهیم با آنان در همین مسئله بوده است.

فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْأَفْلِينَ (انعام ۷۶)

پس چون شب بر او نمودار شد ستاره درخشانی دید، گفت: این پروردگار من است. چون آن ستاره غروب کرد گفت: من چیزهای غروب کردنی و ناپدید شدنی را دوست ندارم (به خدایی نخواهم گرفت) توحید در ربوبیت خط بطلان کشیدن بر اندیشه هر نوع تدبیر مستقل است.

فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا (نازعات ۷۹)

قسم به فرشتگانی که (به فرمان حق) به تدبیر نظام خلق می‌کوشند (که قیامتی و حشری خواهد آمد.

لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا ۗ فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ (انبیاء ۲۲)

اگر در آسمان و زمین غیر از خدای یکتا خدایانی وجود داشت همانا خلل و فساد در آسمان و زمین راه می‌یافت، پس (از نظم ثابت عالم) بدانید که پادشاه ملک وجود خدای یکتاست و از توصیف و اوهام مشرکان پاک و منزّه است.

### تدبیر در تشریح:

هر نوع امور مربوط به شریعت نیز اعم از حکومت و فرمانروایی و قانونگذاری - اطاعت و فرمانبرداری - شفاعت و مغفرت گناه، همگی در اختیار اوست و هیچکس بدون اذن او حق تصرف در این امور را ندارد. از این روی توحید در حاکمیت، توحید در تشریح، توحید در اطاعت و... از شاخه های توحید در تدبیر شمرده می‌شوند. بنابراین اگر پیامبر (ص) به عنوان حاکم بر مسلمین برگزیده شدند این گزینش به اذن پروردگار بوده است و درست به همین علت می‌باشد که اطاعت او مانند اطاعت خدا لازم شمرده شده؛ بلکه عین اطاعت خداست. "من يطع الرسول فقد اطاع الله (نساء ۸۰)"

تعین تکلیف از شئون ربوبیت است، شفاعت و بخشش از گناهان از حقوق مختص خدا است و هیچ کس نمی‌تواند بدون اذن او شفاعت کند.

### ادامه دعا: فراز دوم:

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَحَدُ الْمُتَوَحَّدُ الْفَرْدُ الْمُتَفَرِّدُ .

تویی آن خدای یکتا، که هیچ خدایی جز تو نیست یکتایی- بی همتا و بی مانندی

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْكَرِيمُ الْمُتَكَرَّمُ، الْعَظِيمُ الْمُتَعَزَّمُ، الْكَبِيرُ الْمُتَكَبَّرُ

تویی آن خدای یکتا، که هیچ خدایی جز تو نیست، کریم و بخشنده به اندازه کرمی، و عظیم در نهایت عظمت و بزرگی در نهایت بزرگی.

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْعَلِيُّ الْمُتَعَالَى، الشَّدِيدُ الْمِحَالِ

و تویی آن خدای یکتا که هیچ خدایی جز تو نیست، بلند مرتبه و در انتقام شدید الانتقام.

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ.

و تویی آن خدای یکتا که هیچ خدایی جز تو نیست، رحمان و بخشنده برای کلّ مومن و کافر، باصفت عام و خاص، دانا و دارای خرد و حکمت.

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، الْقَدِيمُ الْخَبِيرُ

و تویی آن خدای یکتا که هیچ خدایی جز تو نیست، شنوا و بینا با بصیرت، ازلی و آگاه بر اسرار.

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْكَرِيمُ الْأَكْرَمُ، الدَّائِمُ الْأَدْوَمُ،

و تویی آن خدای یکتا که هیچ خدایی جز تو نیست، کریم در کریمیت، همیشگی و پایدار.

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ، وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ عَدَدٍ

و تویی آن خدای یکتا که هیچ خدایی جز تو نیست، سرآغاز هر عدد و آخر هر شمارش.

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الدَّانِي فِي عُلُوِّهِ، وَالْعَالِي فِي دُنُوِّهِ

و تویی آن خدای یکتا که هیچ خدایی جز تو نیست در عین اوج بلندی، نزدیکی و در عین نزدیکی، بلندی.

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، ذُو الْبَهَاءِ وَالْمَجْدِ، وَالْكَرِيَاءِ وَالْحَمْدِ

و تویی آن خدای یکتا که هیچ خدایی جز تو نیست صاحب جمال و بزرگی و کبریا و ستایشی.

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الَّذِي أَنْشَأَتِ الْأَشْيَاءَ مِنْ غَيْرِ سِنْخٍ،

و تویی آن خدای یکتا که هیچ خدایی جز تو نیست، همه چیز را بدون مایه و اصلی و ریشه ای خلق کردی.

وَ صَوَّرْتَ مَا صَوَّرْتَ مِنْ غَيْرِ مِثَالٍ، وَ ابْتَدَعْتَ الْمُبْتَدَعَاتِ بِلَا احْتِدَاءٍ.

و صورتها را بدون صورتگری (نقشه) خلق کردی و ساخته ها را بدون اقتباس ساخته ای.

فراز سوم:

أَنْتَ الَّذِي قَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا، وَ يَسَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَيْسِيرًا، وَ دَبَّرْتَ مَا دُونَكَ تَدْبِيرًا



تو آن خدایی که هر چیزی را از روی قدرت خود به تقدیر در آوردی. و هر چیزی را به آسانیش آسان کردی. و سامان دادی هر آنچه را که سامان پذیر بود.

أَنْتَ الَّذِي لَمْ يَعْكَ عَلَى خَلْقِكَ شَرِيكَ، وَ لَمْ يَوَازِرْكَ فِي أَمْرِكَ وَزِيرٌ، وَ لَمْ يَكُنْ لَكَ مُشَاهِدٌ وَ لَا نَظِيرٌ.

تو آن خدائی که شریکی در خلقت خود نداشتی. و وزیری در امورت تو را یاری نکرده، و برای تو شاهد و ناظری و مانندی نمی باشد.

أَنْتَ الَّذِي أَرَدْتَ فَكَانَ حَتْمًا مَا أَرَدْتَ، وَ قَضَيْتَ فَكَانَ عَدْلًا مَا قَضَيْتَ، وَ حَكَمْتَ فَكَانَ نِصْفًا مَا حَكَمْتَ.

تو آن خدایی که اراده کردی پس اراده ات حتمی است. و حکم کردی پس آنچه که حکم کردی بر آیین عدل بوده، و حکم کرده ای بر مبنای حکمتت که بر اساس انصاف است.

أَنْتَ الَّذِي لَا يَحْوِيكَ مَكَانٌ، وَ لَمْ يَقُمْ لِسُلْطَانِكَ سُلْطَانٌ، وَ لَمْ يَعْيكَ بُرْهَانٌ وَ لَا بَيَانٌ.

تو آن خدائی هستی نه جاذبه مکان و نه سلطنت سلطانی و نه برهان و دلیلی و نه نکته ای تو را یاور باشد.

أَنْتَ الَّذِي أَحْصَيْتَ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا، وَ جَعَلْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَمْدًا، وَ قَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا.

تو آن خدائی هستی، که یک به یک شمارش هر چیزی را داری، و برای هر چیزی مدتی قراردادی، و هر چیزی را اندازه گیری کردی بر مبنای حکمت تقدیر.

أَنْتَ الَّذِي قَصَرْتَ الْأَوْهَامَ عَنْ ذَاتِيكَ، وَ عَجَزْتَ الْأَفْهَامَ عَنْ كَيْفِيَّتِكَ، وَ لَمْ تُدْرِكِ الْأَبْصَارُ مَوْضِعَ أَيْنِيَّتِكَ.

تو آن خدائی هستی که ذاتت دم از اوهام نمی زند. و تمام فهم و درکها از کون ذات تو عاجزند. و دیدگان قدرت درک جایگاه تو را ندارند.

أَنْتَ الَّذِي لَا تُحَدُّ فَتَكُونُ مَحْدُودًا، وَ لَمْ تُمَثَّلْ فَتَكُونِ مَوْجُودًا، وَ لَمْ تَلِدْ فَتَكُونِ مَوْلُودًا.

و تو آن خدایی هستی که محدودیت نداری و بی نهایت و لا متناهی هستی، و تو در عین موجودیت مانند نداری و به تمثیل در نمی آیی، تو را فرزندی نیست تا زاییده شده باشی.

**أَنْتَ الَّذِي لَا ضِدَّ مَعَكَ فَيَعَانِدُكَ، وَلَا عِدْلَ لَكَ فَيَكَاثِرُكَ، وَلَا نِدًّا لَكَ فَيَعَارِضُكَ.**

تو آن خدایی هستی که ضدی با تو نیست تا تو را معاند باشد. و برای تو همتایی نیست تا بر تو غلبه یابد. و برای تو شریکی نیست تا با تو برابری کند.

**أَنْتَ الَّذِي ابْتَدَأَ، وَ اخْتَرَعَ، وَ اسْتَحْدَثَ، وَ ابْتَدَعَ، وَ أَحْسَنَ صُنْعَ مَا صَنَعَ.**

و تو آن خدایی که آغازگری، پدید آورنده ای، ایجاد کرده ای، و ابداع کرده ای بدون فرمول و به نیکوئی ساخته ای آنچه را که سازندگی کرده ای.

**فراز چهارم:**

**سُبْحَانَكَ! مَا أَجَلٌ شَأْنُكَ!، وَ أَسْنَى فِي الْأَمَاكِنِ مَكَانُكَ!، وَ أَصْدَعُ بِالْحَقِّ فُرْقَانُكَ!**

خدایا تو منزهی، شأن تو چه بزرگ است! منزلت تو در همه جا چه بلند است! قرآن تو حق را چه آشکار کرده!

**سُبْحَانَكَ! مِنْ لَطِيفٍ مَا أَلْطَفَكَ!**

منزهی تو، پروردگارم! چه لطیفی تو! لطیف صفت توست .

لطیف به معنی حرکت زودگذر و موجودات و کارهای دقیق که با حس قابل درک نیستند به کار رفته و در مورد خداوند یعنی او خالق اشیای ناپیدا و دارای افعال فوق العاده دقیق می باشد. در روایت نیز آمده که خدا چون موجودات لطیف را آفریده لطیف نامیده شده است. احتمال هم دارد که منظور این باشد که ذات خدا چنان پاک است که هرگز با احساس درک نمی شود.

**وَ رَعُوفٍ مَا أَرَأَفَكَ، وَ حَكِيمٍ مَا أَعْرَفَكَ!**

و مهربانیت! چه بسیار است مهربانی تو! و حکیمی، چه دانایی تو!

**سُبْحَانَكَ! مِنْ مَلِيكَ مَا أَمْنَعَكَ،! وَ جَوَادٍ مَا أَوْسَعَكَ،! وَ رَفِيعٍ مَا أَرْفَعَكَ!**

منزهی تو! چه ملکیتی! چه ملکیتی برای توست! ای بخشنده ، چه وسعتی در بخشندگی توست! چه بزرگی تو! چه رفعتی است برای تو!

**دُو الْبِهَاءِ وَ الْمَجْدِ وَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْحَمْدِ!**

صاحب جمال و کمال و بزرگی و کبریایی و حمد و سپاس!

**سُبْحَانَكَ! بَسَطْتَ بِالْخَيْرَاتِ يَدَكَ، وَ عَرَفْتَ الْهَدَايَةَ مِنْ عِنْدِكَ، فَمَنْ التَّمَسَكَ لِدِينِ أَوْ دُنْيَا وَجَدَكَ!**

منزهی تو ای پروردگارم! دستت سوی خیرات باز است! هدایت از جانب تو شناخته شده! پس هر کس به تو تمسک کند برای دین و دنیا ، تو را می یابد.

**سَبْحَانَكَ! خَضَعَ لَكَ مَنْ جَرَى فِي عِلْمِكَ، وَ خَشَعَ لِعِظْمَتِكَ مَا دُونَ عَرْشِكَ، وَ انْقَادَ لِلتَّسْلِيمِ لَكَ كُلُّ خَلْقِكَ!**

منزهی تو پروردگارم! هر کس طریق علم تو را دارد در برابرت خاضع است. در برابر عظمت هر چه زیر عرش است خاشع است. همه خلق در برابرت تسلیم اوامرت هستند و به آن گردن نهاده اند.

**سُبْحَانَكَ! لَا تُحَسُّ وَ لَا تُجَسُّ وَ لَا تُمَسُّ وَ لَا تُكَادُ وَ لَا تُمَاطُ وَ لَا تُتَارَعُ وَ لَا تُجَارَى وَ لَا تُمَارَى وَ لَا تُخَادَعُ وَ لَا تُمَآكِرُ!**

پروردگارا منزهی تو! احساس نمی شوی تو با حس! نه با جسم! نه با لمس! نه با نزدیکی از بعد زمانی! نه کس بر تو مکرری تواند کرد ، نه کس از تو چیزی پنهان تواند داشت ، نه کس تواند با تو راه خلاف پوید یا با تو منازعه کند یا بر تو چیره گردد یا با تو جدال کند یا بفریبدت یا بر تو کیدی اندیشد.

**سُبْحَانَكَ! سَبِيْلُكَ جَدِّدٌ. وَ أَمْرُكَ رَشْدٌ، وَ أَنْتَ حَيٌّ صَمَدٌ.**

منزهی تو پروردگارم! راه تو هموار است! امر تو راهنماست! و تو زنده و جاویدی.

**سُبْحَانَكَ! قَوْلُكَ حُكْمٌ، وَ قَضَاؤُكَ حَنْمٌ، وَ إِرَادَتُكَ عَزْمٌ!**

منزهی تو پروردگارم! گفتارت حکمت، و فرمانت لازم، عزم و قصد در اراده تو!

**سَبْحَانَكَ! لَا رَادَّ لِمَشِيَّتِكَ، وَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِكَ!**

منزهی تو پروردگارم! مشیت تو را کسی رد نمی کند! تبدیل کننده ای برای کلمات تو نیست!

## سُبْحَانَكَ! بَاهِرَ الْآيَاتِ، فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ، بَارِيَّ السَّمَاتِ!

منزهی تو پروردگارم! ظاهر و بارز است نشانه هایت! خالق آسمانها، و آفریننده جانها.

به سند معتبر از امام حسن (ع) نقل شده است که؛ "جمعی از یهود به خدمت حضرت رسول (ص) آمدند و اَعْلَمِ ایشان در مورد مسائلی صحبت نمود؛ چون جواب شنیدند، مسلمان شدند. از جمله آن سوالها این بود که: محمد! مرا خبر بده از کلماتی که حق تعالی آنها را برای حضرت ابراهیم (ع) اختیار نمود، هنگامی که خانه خدا، کعبه، را بنا کرد. حضرت فرمود: سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر. یهودی پرسید: اگر کسی این کلمات را بگوید چه ثوابی دارد؟ حضرت فرمود: چون بنده ای سبحان الله بگوید، آنچه زیر عرش است با او تسبیح می گویند پس به گوینده تسبیح ده برابر ثواب تسبیح آنها عطا می کنند. چون "الحمد لله" گویند؛ حق تعالی نعیم دنیا را به او کرامت می فرماید و وی را به نعیم آخرت وصل می کند. این کلمه ایست که چون اهل بهشت داخل بهشت می شوند این کلمه را می گویند و سخنانی که در دنیا می گفتند، همه منقطع می شود به غیر از این سخن.

اما "لا اله الا الله" پس بهشت جزای آن است. چنانکه حق تعالی می فرماید: هل جزاء الاحسان الا الاحسان" یعنی نیست جزای "لا اله الا الله" مگر بهشت.

به سند معتبر دیگری از حضرت رسول (ص) نقل شده است: "هر کس "سبحان الله" بگوید، حق تعالی برای او درختی در بهشت غرس می نماید.

کسی که "الحمد لله" بگوید؛ درختی برای او می کارد.

کسی که "لا اله الا الله" بگوید؛ درختی برای او می کارد، کسی که "الله اکبر" بگوید درختی برای او غرس می نماید.

شخصی از قریش به حضرت عرض کرد: ما در بهشت درخت بسیار داریم؟ حضرت فرمود: بلی! و لیکن بپرهیزید از اینکه آتشی بفرستید که آن درختان را بسوزاند؛ زیرا خداوند تعالی فرمودند: ای گروه مؤمنان! از خدا و رسول اطاعت نمایید و عملهای خود را باطل مکنید. (بحار الانوار ۹۳/۱۶۸/۳)

حضرت رسول (ص) فرمود: هر کس صد مرتبه "الله اکبر" بگوید بهتر است از صد بنده آزاد کردن، هر کس صد مرتبه "سبحان الله" بگوید، بهتر است از صد شتر با خود بردن به حج، که آنها را برای خدا بکشد، هر کس صد مرتبه "الحمد لله" بگوید بهتر از صد اسب که زین و لجام کرده و مردم را سوار کند و

به جهاد بفرستند، و هر که صد مرتبه " لا اله الا الله" بگوید ، هملش از همه بهتر است .(عين الحيات – علامه محمد باقر مجلسی(ره))

**فراز پنجم:**

**لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَدُومُ بِدَوَامِكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا بِنِعْمَتِكَ.**

سپاس برای توست سپاسی دائمی که به دوام تو دوام می یابد ، و سپاس برای توست سپاسی که به نعمت تو جاوید است.

**وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يُوَازِي صُنْعَكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ**

و سپاس برای تو، سپاسی که برابر باشد با شیوه تو در رفتار. و سپاس برای توست سپاسی که بر خشنودیت بیفزاید.

**وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا مَعَ حَمْدِ كُلِّ حَامِدٍ، وَ شُكْرًا يَقْصُرُ عَنْهُ شُكْرُ كُلِّ شَاكِرٍ**

و حمد و سپاس برای توست سپاسی که با سپاس هر سپاسگزار توأم باشد. و شکر هر شاکری از آن کوتاه ماند.

**حَمْدًا لَا يَنْبَغِي إِلَّا لَكَ، وَ لَا يُتَقَرَّبُ بِهِ إِلَّا إِلَيْكَ**

سپاسی که برای توست و کسی سزاوار آن نیست. و وسیله تقرب به غیر تو نشود.

**حَمْدًا يُسْتَدَامُ بِهِ الْأَوَّلُ، وَ يُسْتَدْعَى بِهِ دَوَامُ الْآخِرِ**

سپاسی که موجب سپاس از نعمتهای آغازین گردد و نعمتهای دیگر (بعدی) را دوام بخشد

**حَمْدًا يَتَضَاعَفُ عَلَى كُرُورِ الْأَمْنَةِ، وَ يَتَزَايِدُ أضعافاً مُتَرَادِفَةً**

سپاسی که با گذشت زمان مضاعف گردد و همواره در پیروی به فزونی رود.

**حَمْدًا يَعْجُزُ عَنْ إِحْصَائِهِ الْحَفَظَةُ، وَ يَزِيدُ عَلَى مَا أَحْصَتْهُ فِي كِتَابِكَ الْكُتُبَةُ**

سپاسی که فرشتگان حافظ از شمارش عاجز مانند وبر آنچه فرشتگان کاتب در لوح محفوظ ثبت کرده اند فزونی یابد.

**حَمْدًا يُوزِنُ عَرْشَكَ الْمَجِيدَ وَ يُعَادِلُ كُرْسِيِّكَ الرَّفِيعَ**

حمدی که برابری با عرش مجید تو باشد و با کرسی رفیع تو همسنگ باشد.

**حَمْدًا يَكْمُلُ لَدَيْكَ ثَوَابُهُ، وَ يَسْتَعْرِقُ كُلَّ جَزَاءٍ جَزَاؤُهُ**

حمد و سپاسی که ثوابش نزد تو کامل باشد و مزدش همه مزد ها را فراگیرد.

**حَمْدًا ظَاهِرُهُ وَفَقَّ لِبَاطِنِهِ، وَ بَاطِنُهُ وَفَقَّ لِمَصْدَقِ النَّيَّةِ**

سپاسی که ظاهر و باطنش یکی باشد و باطنش با صدق نیت همراه باشد. (کسی که به زبان سپاس گذارد و در زبان و عمل چیز دیگری باشد)

**حَمْدًا لَمْ يَحْمَدَكَ خَلْقٌ مِثْلَهُ، وَ لَا يَعْرِفُ أَحَدٌ سِوَاكَ فَضْلَهُ**

سپاس و حمدی که مانندش پیدا نشود و کسی مثل آن تو را سپاس نگذارده باشد. و احدی غیر تو فضل آنرا نداند و نشناسد.

**حَمْدًا يُعَانُ مَنْ اجْتَهَدَ فِي تَعْدِيدِهِ، وَ يُؤَيِّدُ مَنْ أَعْرَقَ نَزْعًا فِي تَوْفِيَّتِهِ**

حمد و سپاسی که هر کس در انجامش کوشش کند یاری شود ، و هر کس آهنگ آن کند که با کوشش ،حق را به جای آورد،تأیید گردد .

**حَمْدًا يَجْمَعُ مَا خَلَقْتَ مِنْ الْحَمْدِ، وَ يَنْتَظِمُ مَا أَنْتَ خَالِقُهُ مِنْ بَعْدِ.**

سپاس و حمد بر آنچه تو خلق کردی و آنچه را که تو بعد از این خالق آن هستی (حمدی گسترده-حمدی انتظام یافته)

**حَمْدًا لَا حَمْدَ أَقْرَبُ إِلَيَّ قَوْلِكَ مِنْهُ،**

حمدی که هیچ حمدی به سخن تو نزدیکتر از اونباشد.

**وَ لَا أَحْمَدَ مِمَّنْ يَحْمَدُكَ بِهِ.**

و از سراینده آن ، حمد گوینده تری نبود.

**حَمْدًا يُوجِبُ بِكَرَمِكَ الْمَزِيدَ بِوَفُورِهِ،**

حمدی که به پاس کرم تو بر نعمتها بیفزاید

**وَ تَصِلُهُ بِمَزِيدٍ بَعْدَ مَزِيدٍ طَوَّلًا مِنْكَ**

و تو به پاس احسانت پی در پی بر آن بیفزایی

**حَمْدًا يَجِبُ لِكْرَمِ وَجْهِكَ، وَ يُقَابِلُ عِزَّ جَلَالِكَ.**

حمدی که شایان عظمت ذات تو باشد و با عزت و جلال تو برابرشود.

**فضیلت تحمید و انواع حمد:**

به سند معتبر نقل شده است که از حضرت صادق(ع) پرسیدند: " کدام عمل نزد خدا بهترین اعمال است؟ فرمود: حمد او کردن. (اصول کافی ۲/۵۰۳/ح ۲)

حضرت علی بن الحسین (ع) نقل شده است: هر کس " الحمد لله " بگوید شکر جمیع نعمتهای خدا را ادا کرده است. (بحار الانوار ۲۱۰/۹۳ ح ۴)

حضرت امام رضا(ع) نقل کرده : حضرت رسول(ص) فرمود: هر کس خدا نعمتی به او کرامت فرمود ، حمد الهی به جا آورد ؛ هر کس روزی او دیر رسید استغفار کند، و هر که را اندوهی روی داد یا کار دشواری پیش آمد " لاحول و لا قوة الا بالله" بگوید. (بحار الانوار ۲۱۰/۹۳ ح ۵)

و امام به سند معتبر از قول حضرت رسول(ص) فرمود: چون امری پیش می آید که موجب حزن بود، حضرت می فرمود: " الحمد لله رب العالمین کثیراً علی کلّ حال" هر روز سیصد و شصت مرتبه به عدد رگهای بدن. (بحار الانوار ۲۱۵-۲۱۶، ح ۱۹)

**فراز ششم:**

**رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، الْمُتَنَجِّبِ الْمُصْطَفَى الْمُكْرَمِ الْمُقَرَّبِ، أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ، وَ بَارِكْ عَلَيْهِ أتمَّ بَرَكَاتِكَ، وَ تَرَحَّمْ عَلَيْهِ أَمَّعَ رَحْمَاتِكَ.**

پروردگارا! با درود بر محمد و آل او ، آن رسولی که برگزیده و پسندیده و مورد کرامت و تقرب است و بهترین درود تو براوست و او را برکت ده با کاملترین برکات و مهربانی کن با کاملترین مهربانی.

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً زَاكِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةً أَرْكَى مِنْهَا، وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً نَامِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةً أُنْمَى مِنْهَا، وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً رَاضِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةً فَوْقَهَا.

پروردگارا! با درود بر محمد و آل او ، درودی پاک و پاکیزه که درود همتایی نداشته باشد و درود بر محمد (ص) درودی و رحمتی شایسته و فراینده که مانند نداشته باشد. درود تو بر حضرت، درودی که باعث خشنودی است و برتر از آن موجود نباشد.

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُرْضِيهِ وَ تَزِيدُ عَلَى رِضَاهُ، وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً تُرْضِيكَ وَ تَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ لَهُ وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً لَا تُرْضِي لَهُ إِلَّا بِهَا، وَ لَا تَرَى غَيْرَهُ لَهَا أَهْلًا.

پروردگارا! با درود بر محمد (ص) و آل او، درودی که او را خشنود سازد و بر خشنودیت بیفزاید. درودی بر او که خشنودی تو را سبب گردد و رضای تو را بیفزاید. درود بر محمد و آل او ، درودی که ارزشمند برای او باشد و سزاوار او باشد و کس دیگر را شایسته آن ارزش ندانی.

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَاةً تُجَاوِزُ رِضْوَانَكَ، وَ يَتَّصِلُ أَتِّصَالُهَا بِبِقَائِكَ، وَ لَا يُنْفَدُ كَمَا لَا تُنْفَدُ كَلِمَاتُكَ.

پروردگارا! با درود بر محمد و آل او، درودی که منتهای خشنودی تو باشد، درودی که اتصالش به بقاء تو باشد و درودی که پایان نیابد همچنانکه کلمات تو پایان نمی پذیرد.

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ، وَ تَشْتَمِلُ عَلَى صَلَوَاتِ عِبَادِكَ مِنْ جَنِّكَ وَ إِنْسِكَ وَ أَهْلِ إِجَابَتِكَ، وَ تَجْتَمِعُ عَلَى صَلَاةٍ كُلِّ مَنْ دَرَأَتْ وَ بَرَأَتْ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ.

پروردگارا! با درود بر محمد و آل او، درودی تنظیم یافته از ملائکه و پیامبران و رسولان و اهل طاعت که پیروان مورد نظر هستند. و این درود شامل درودی شود از بندگان از جن و انس و پذیرندگان دعوت



و در مجموع درودی از بندگان که خلق کرده ای تحیت و درود همه اصناف آفریدگانت را در خود گرد آورد. (چه آنان که اهل طاعت هستند و چه انانی که اهل طاعت نیستند)

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُحِيطُ بِكُلِّ صَلَاةٍ سَالِفَةٍ وَ مُسْتَأْنَفَةٍ، وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ،  
صَلَاةً مَرْضِيَّةً لَكَ وَ لِمَنْ دُونِكَ، وَ تَنْشِئُ مَعَ ذَلِكَ صَلَوَاتٍ تَضَاعِفُ مَعَهَا تِلْكَ الصَّلَوَاتِ عِنْدَهَا،  
وَ تَزِيدُهَا عَلَى كُرُورِ الْأَيَّامِ زِيَادَةً فِي تَضَاعِيفِ لَا يَعْذُهَا غَيْرُكَ.

پروردگارا! درود بر محمد و آل او، درودی که بر رحمت دیرینه و تازه ای محیط باشد. و درود بر محمد و آل او درودی که نزد تو و نزد غیر تو پسندیده باشد. با این درود ها همراه کن درودی که آنرا یعنی رحمت‌های نخستین را مضاعف نماید و با گردش روزگار مضاعف گردد تا غیر تو کسی نتواند آن را بشمارد.

رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطْيَابِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَ جَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ، وَ حَفَظْتَ دِينِكَ،  
وَ خُلْفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ، وَ حُجَجَكَ عَلَى عِبَادِكَ، وَ طَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَ الدَّنَسِ تَطْهِيراً  
بِإِرَادَتِكَ، وَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ، وَ الْمَسْلَكَ إِلَى جَنَّتِكَ

پروردگارا! درود بر پاکیزه ترین اهل بیت که برای قیام بر امر خود، برگزیدی. و ایشان را خزینه علم خود و حافظ دین خود و جانشینان خویش در روی زمین و حجت‌های خویش بر بندگان خود قرار دادی، و آنها را از پلیدی و آلودگی به اراده خود پاک کردی، و آنها را وسیله در توسل قرار دادی تا انسانها به وسیله آنان به سوی تو بیایند و به بهشت راه یابند.

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نَحْلِكَ وَ كَرَامَتِكَ، وَ تُكْمِلُ لَهُمُ الْأَشْيَاءَ مِنْ  
عَطَايَاكَ وَ نَوَافِلِكَ، وَ تُوفِّرُ عَلَيْهِمُ الْحَظَّ مِنْ عَوَائِدِكَ وَ فَوَائِدِكَ.

پروردگارا! با درود بر محمد و آل او، درودی که سنت و کرامت تو را پاداش دهد و کامل سازد بخشش‌های تو انعامت را در حق آنان فراوان گرداند و هر گونه عطایای خود به ایشان به کمال رسانی و عواید و فواید فراوان نصیبشان سازی.

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ صَلَاةً لَا أَمَدَ فِي أَوْلِيَّهَا، وَ لَا غَايَةَ لِأَمَدِهَا، وَ لَا نِهَايَةَ لِآخِرِهَا.

پروردگار! با درود بر محمد و آل او، درودی که آغازش را حدی و مدتش را فرجامی و آخرش را پایانی نباشد

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ زِينَةَ عَرْشِكَ وَ مَا دُونَهُ، وَ مِلْءَ سَمَاوَاتِكَ وَ مَا فَوْقَهُنَّ، وَ عَدَدَ أَرْضِيكَ وَ مَا تَحْتَهُنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ، صَلَاةً تُقَرِّبُهُمْ مِنْكَ زُلْفَى، وَ تَكُونُ لَكَ وَ لَهُمْ رِضَى، وَ مُتَّصِلَةً بِنظَائِرِهِنَّ أَبَدًا.

پروردگار! با درود و رحمت بر ایشان به وزن عرش تو و آنچه زیر عرش است. به گنجایش آسمانها و آنچه بالای آن است، به شمار زمینهایت آنچه در زیر میان زمینهایت هست، چنان رحمت و درودی که آنان را به قرب تو رساند و رضایت و خشنودی برای تو و برای ایشان دارد. و پیوسته به نظایر آن متصل است.

یکی از مباحث مهمی که در دعای عرفه امام سجاد(ع) مطرح گردیده، ویژگیهای امام است:

۱. برگزیدگان: الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لَامِرِك؛ کسانی که آنان را برای امر و فرمان خود برگزیدی .
۲. خزانهداران علم الهی: وَ جَعَلْتَهُمْ خَزَانَةَ عِلْمِكَ؛ و ایشان را خزانه داران علم خود قرار دادی
۳. حافظان دین: وَ حَفَظْتَ دِينِكَ؛ و حافظان دینت .
۴. خلیفه الله: وَ خُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِيكَ؛ و جانشینان تو در زمینت
۵. حجت‌ها الهی: وَ حُجَجَكَ عَلَى عِبَادِكَ؛ و حجت‌های خویش بر بندگانت
۶. عصمت و طهارت: وَ طَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَ الدَّنَسِ تَطْهِيراً بَارِئاً بِرَادَتِكَ؛ و آنها را به خواست خود از پلیدی و ناپاکی پاک ساختی
۷. وسیله نجات: وَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ وَ الْمَسْلَكَ إِلَى جَنَّتِكَ؛ و ایشان را وسیله راهیابی به سوی خود و راه بهشت خویش گردانیدی
۸. پناهگاه مردم: فَهُوَ عِصْمَةُ اللّٰئِيْدِيْنَ؛ پس اوست نگهدار پناهندگان
۹. پناهگاه اهل ایمان: وَ كَهْفُ الْمُؤْمِنِيْنَ؛ و او پناه اهل ایمان
۱۰. جبل الله: وَ عِرْوَةُ الْمُتَمَسِّكِيْنَ؛ و دستاویز چنگ زدگان
۱۱. مصداق جمال الهی: وَ بَهَاءُ الْعَالَمِيْنَ؛ و جمال و نیکویی جهانیان

فراز هفتم:

قدر و منزلت امام:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عِلْمًا لِعِبَادِكَ، وَ مَنَارًا فِي بِلَادِكَ بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ، وَ جَعَلْتَهُ الدَّرِيْعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ، وَ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ، وَ حَذَرْتَ مَعْصِيَتَهُ، وَ أَمَرْتَ بِامْتِثَالِ أَوْامِرِهِ، وَ الْإِنْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ، وَ أَلَّا يَتَقَدَّمَ مُتَقَدِّمًا، وَ لَا يَتَأَخَّرَ عَنْهُ مُتَأَخِّرٌ فَهُوَ عِصْمَةُ اللَّانِدِينَ، وَ كَهْفُ الْمُؤْمِنِينَ وَ عُرْوَةُ الْمُتَمَسِّكِينَ، وَ بَهَاءُ الْعَالَمِينَ.

بار خدایا، در هر زمان دین خویش را به امامی یاری بخشیده ای که دین را بر پای داشته تا علم راهنمای بندگانت شود و در بلاد تو چراغ فروزان هدایت گردد و رشته پیمان او به رشته پیمان تو وصل گردد و وسیله ای بسوی خشنودی تو باشد. و اطاعت او را واجب گردانیدی و مردم را از سرکشی در برابر او بر حذر داشته ای و فرمان داده ای که به هر چه امر میکند اطاعت کنند و از هر چه نهی میکند باز ایستند و کسی بر او پیشی نگیرد و کس از او واپس نماند و او نگهدار کسانی است که بدو پناه میبرند و کهف امان مؤمنان است و حلقه اعتصام ایشان است و جلال و جلوه جهانیان است.

اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لَوْلِيكَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِ، وَ أَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ، وَ آتِهِ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا، وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَ أَعِنَهُ بِرُكْنِكَ الْأَعَزِّ، وَ اشْدُدْ أَرْزَهُ، وَ قَوِّ عَضُدَهُ، وَ رَاعِهِ بِعَيْنِكَ، وَ احْمِهِ بِحِفْظِكَ وَ انصُرْهُ بِمَلَائِكَتِكَ، وَ امدُدْهُ بِجُنْدِكَ الْأَغْلَبِ. وَ أقمْ بِهِ كِتَابَكَ وَ حُدُودَكَ وَ شَرَائِعَكَ وَ سُنَنَ رَسُولِكَ، صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ أَحْيِ بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ، وَ اجْلُ بِهِ صَدَاءَ الْجُورِ عَن طَرِيقَتِكَ، وَ ابْنُ بِهِ الضَّرَاءَ مِنْ سَبِيلِكَ، وَ أزلْ بِهِ النَّاكِبِينَ عَن صِرَاطِكَ، وَ امحَقْ بِهِ بُغَاةَ قَصْدِكَ عَوْجًا وَ أَلِنْ جَانِبَهُ لِأَوْلِيَائِكَ، وَ ابْسُطْ يَدَهُ عَلَى أَغْدَائِكَ، وَ هَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ، وَ رَحْمَتَهُ وَ تَعَطُّفَهُ وَ تَحَنُّنَهُ، وَ اجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ، وَ فِي رِضَاهُ سَاعِينَ، وَ إِلَى نُصْرَتِهِ وَ الْمُدَافَعَةِ عَنْهُ مُكْنِفِينَ، وَ إِلَيْكَ وَ إِلَى رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِدَلِكِ مُتَقَرِّبِينَ.

بار خدایا ، به ولی خود الهام نمای که شکر نعمتی را که به او ارزانی داشته ای به جای آرد و ما را نیز الهام ده که شکر نعمت هدایت او به جای آوریم و او را از جانب خود سلطه و توانایی ده و به آسانی راه پیروزی بر اوبگشای و به نیرومندترین ارکان قدرت خود یاری اش فرمای و پشتش محکم و بازوانش توانا گردان و زیر نظر مراقبت خویش قرار ده و در سایه حفظ خود حفظش نمای و به ملائکه خود یاریاش ده و به لشکرپیروزمند خود مددش رسان.

ای خداوند ، کتاب خود ، حدود و شرایع خود و سنت های پیامبر(ص) خود را با ولایت بر پای دار و هر چه را ظالمان ، معاندان ، علوم دینت را از بین برده اند زنده گردان . و با ولایت زنگ ستم ستمکاران از آیین خویش بزدای و با او دشواریها را از راه خود دور گردان و به نیروی اوکسانی را که از راه تو منحرف شده اند از میان بردار و آن کسان را که صراط مستقیم تو را راه کج جلوه میدهند نابود نمای( تا شریعت تو زنده شود و رنگ ظلم از شریعت تو برداشته شود )

ای خداوند ، ولی و امام خود را برای دوستان قلبی مهربان و نرم عطا کن و دست قدرت او بر دشمنان گشوده گردان و رأفت و رحمت و عطوفت و محبتش را نصیب ما گردان و ما را سمعا و طاعتا در برابر آنها قرار ده. و چنان کن که در راه رضای او سعی کنیم ویاری اش نماییم و مدافع او در برابر دشمنش باشیم و این سبب تقرب ما به تو و رسالت (ص) گردد.

دوستان اهل بیت(ع) یا شیعه واقعی چه کسانی هستند؟

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَانِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمْ، الْمُتَّبِعِينَ مَنْهَجَهُمْ، الْمُقْتَفِينَ آثَارَهُمْ،  
الْمُسْتَمْسِكِينَ بِعُرْوَتِهِمْ، الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَتِهِمْ، الْمُؤْتَمِّينَ بِإِمَامَتِهِمْ، الْمُسَلِّمِينَ لِأَمْرِهِمْ،  
الْمُجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمْ، الْمُنتَظِرِينَ أَيَّامَهُمْ، الْمَادِّينَ إِلَيْهِمْ أَعْيُنَهُمْ، الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ  
الزَّكَايَاتِ النَّامِيَاتِ الْعَادِيَاتِ الرَّائِحَاتِ. وَ سَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِهِمْ، وَ اجْمَعْ عَلَى التَّقْوَى  
أَمْرَهُمْ، وَ أَصْلِحْ لَهُمْ شُؤْنَهُمْ، وَ تَبِّ عَلَيْهِمْ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ، وَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ، وَ  
اجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي دَارِ السَّلَامِ بِرَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

بار خدایا ، تحیت و درود بفرست دوستان ایشان را ؛ آن اعتراف کنندگان به مقام و منزلت ایشان ، آن پیروی کنندگان راه ایشان ، آن پیروان آثار ایشان، آن چنگ زندگان به رشته آیین ایشان ، آن تمسک جویان به دوستی ایشان ، آن پذیرندگان پیشوایی ایشان ، آن تسلیم شوندهگان به فرمان ایشان ، آن کوشندگان در طاعت ایشان ، آن منتظران دولت ایشان و چشمان منتظر ایام دولت ایشان در ظهور ایشان

. . تحیت و درودی مبارک پاکیزه ، فزاینده ، در هر بامداد و هر شبانگاه .  
ای خداوند ، بر ایشان سلام کن و بر ارواحشان . اعمالشان با تقوی توأم نمای و احوالشان به صلاح آور  
و توبه شان بپذیر ، که تو ، توبه پذیرنده و مهربانی ، تو بهترین توبه پذیری . ما را به رحمت خود با  
آنان در دار السلام بهشت جای ده ، ای مهربانترین مهربانان .

**فراز هشتم:**

**عرفه شناسی:**

**اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ عَرَفَةٌ يَوْمٌ شَرَّفْتُهُ وَ كَرَّمْتَهُ وَ عَظَّمْتَهُ، نَشَرْتَ فِيهِ رَحْمَتَكَ، وَ مَنَنْتَ فِيهِ بِعَفْوِكَ،  
وَ أَجَزَلْتَ فِيهِ عَطِيَّتَكَ، وَ تَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَيَّ عِبَادِكَ.**

بار خدایا ، امروز روز عرفه است . روزی است که آن را شریف و گرامی داشته ای و تعظیم و تجلیل  
کرده ای . در این روز رحمت خود را گسترده کرده ای و بر مردمان به عفو خود منت نهاده ای و  
عطای خود را در حقشان افزوده ای و بر بندگان تفضل فرموده ای .

امام صادق(ع) فرمود: پیامبر خدا (ص) در عرفات وقوف کرد همین که خورشید خواست غروب کند ،  
قبل از غروب چنین دعا کرد : خدایا از فقر از پراکندگی کار و از شر آنچه در شب و روز پیش آید به تو  
پناه می برم. ظلم را به پناه عفو تو آورده ام و بیم را به پناه امان تو ، خواری ام را پناهنده بر عزت تو  
ساخته ام . چهره فانی ام را در پناه ذات باقی تو قرار داده ام ، ای بهترین کسی که از او می خواهند! ای  
بهترین کسی که می بخشد ! جامه عافیت و رحمت خود را بر من بپوشان و شر همه آفریده های شرور را  
از من بگردان.(الجعفریات ص ۶۵)

**پیامبر(ص) فرمود:** غروب عرفه ، خداوند به وسیله اهل عرفه بر فرشتگان افتخار می کند و می فرماید:  
به بندگانم بنگرید که ژولیده و غبار آلود ، نزد من آمده اند.(مسند ابن حنبل ج ۲ ص ۶۹۲ ح ۷۱۱۱)

پیامبر خدا(ص) فرمود: ار هیچ روزی به اندازه روز عرفه ، خداوند بندگان را از آتش دوزخ ، آزاد نمی  
کند . همانا خداوند نزدیک می شود و بر فرشتگان مباحثات می کند و می فرماید " اینها چه می خواهند".

الکافی به نقل از معاویة بن عمّار :- امام صادق(ع) فرمود: مشرکان پیش از غروب آفتاب کوچ می  
کردند ؛ ولی پیامبر خدا با آنان مخالفت کرد و پس از غروب کوچ کرد. (کافی ج ۲ ص ۴۶۷ ح ۲)

در خواست بنده از خدا در روز عرفه:

اللَّهُمَّ وَ أَنَا عَبْدُكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ قَبْلَ خَلْقِكَ لَهُ وَ بَعْدَ خَلْقِكَ إِيَّاهُ، فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ هَدَيْتَهُ لِدِينِكَ، وَ وَفَّقْتَهُ لِحَقِّكَ، وَ عَصَمْتَهُ بِحَبْلِكَ، وَ أَدْخَلْتَهُ فِي حِزْبِكَ، وَ أَرْشَدْتَهُ لِمُؤَالَاتِهِ أَوْلِيَائِكَ، وَ مُعَادَاةِ أَعْدَائِكَ.

بار الها، من بنده تو هستم آن بنده ای که او قبل از آفرینش و بعد از آن نعمت دادی و تو او را هدایت کردی بخاطر حفظ دینت و برای بجا آوردن حق دینت و به او یاد دادی که به ریسمان ولایت و امامت چنگ زند و تو او را وارد حزب خود کردی و او را راهنمایی کردی تا اولیاء تو را دوست بدارد و با دشمنان اولیاء تودشمنی کند.

**هیچ مسلمانی نمی تواند قضا و قدر را انکار نماید:**

هر چیز مخلوق خداوند است طبعاً تقدیر الهی خواهد داشت و اعتقاد به قدر اعتقاد به خالقیت خداوند است و مستند به علم ازلی خداوند است. پس اعتقاد به قدر علمی، در حقیقت اعتقاد به علم ازلی خداوند است.

**تفسیر قضا:**

قضا به معنی قطعیت وجود شیء است. قطعیت یافتن وجود هر شیء بر اساس نظام علت و معلول و در گرو تحقق علت تام آن شیء است. و نظام علت و معلول به خداوند منتهی می گردد در حقیقت قطعیت هر چیزی مستند به قدرت و مشیبت او است. این قضای خداوند در مقام فعل و آفرینش است و علم ازلی خداوند در مورد این حتمیت قضای ذاتی خداوند می باشد. گاهی قضا و قدر الهی مربوط به قضا و قدر تکوینی است و گاهی مربوط به عالم تشریح است. (منتشر عقاید امامیه - ایت الله جعفر سبحانی)

**تعریف قضا و قدر الهی:**

قدر در لغت به معنی اندازه و مقدار است - قضا به معنی حتمیت و قطعیت است (مقایس اللغة ج ۵ ص ۶۳)  
قضا و قدر الهی از عقاید قطعی اسلامی است که در کتاب و سنت وارد شده است و دلایل عقلی نیز آنرا تأیید می کند.

إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ: ما هر چیزی را به اندازه آفریدیم- هستی دارای هدف و حساب و کتاب دقیق است.

هر يك از پیدایش اقوام و فرستادن انبیا و کيفر و پاداش انسان‌ها، در چارچوب مقررات و نظامی خاص صورت می‌گیرد. کارهای الهی هم حساب شده و هم حکیمانه است و هم با سرعت انجام می‌گیرد. "اذا قضی امرأ فانما یقول له کن فیکون" هر گاه اراده قطعی خداوند به چیزی تعلق بگیرد به او می‌گوید: باش، پس آن چیز موجود می‌شود.

ثُمَّ أَمْرَتَهُ فَلَمْ يَأْتُمْرَ، وَ زَجْرَتَهُ فَلَمْ يَنْزَجِرْ، وَ نَهَيْتَهُ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، فَخَالَفَ أَمْرَكَ إِلَىٰ نَهْيِكَ، لَا مُعَانَدَةَ لَكَ، وَ لَا اسْتِكْبَاراً عَلَيْكَ، بَلْ دَعَاهُ هَوَاهُ إِلَىٰ مَا زَيَّلْتَهُ وَ إِلَىٰ مَا حَذَرْتَهُ، وَ أَعَانَهُ عَلَىٰ ذَلِكَ عَدُوُّكَ وَ عَدُوَّهُ، فَأَقْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفاً بِوَعِيدِكَ، رَاجِياً لِعَفْوِكَ، وَاثِقاً بِتَجَاوُزِكَ، وَ كَانَ أَحَقَّ عِبَادِكَ مَعَ مَا مَنَنْتَ عَلَيْهِ إِلَّا يَفْعَلُ.

سپس فرمانش دادی و او فرمان نبرد، منعش کردی و به منع تو پاسخ نداد، از معصیت خود نهی کردی ولی فرمان تو را مخالفت کرد، اما نه از روی عناد و گردنکشی و غرور، بلکه هوای نفسش او را به اعمالی فرا خواند که تو او را دور کرده بودی و از آتش ترسانده بودی. دشمن تو و دشمن اوشیطان است که او را فریب داد تا در عین آگاهی از عذاب تو، مرتکب معاصی شد. اکنون به عفو تو امید بسته و به با آن همه احسان که تو در حق او کرده بودی از دیگر بندگان سزاوارتر بود که آن کار را اقدام نکند.

تقاضای بنده گنهگار از پروردگارش در این قسمت دعا:

وَ هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ صَاغِراً ذَلِيلاً خَاضِعاً خَاشِعاً خَائِفاً، مُعْتَرِفاً بِعَظِيمٍ مِنَ الذُّنُوبِ تَحَمَّلْتَهُ، وَ جَلِيلٍ مِنَ الْخَطَايَا اجْتَرَمْتَهُ، مُسْتَجِيراً بِصَفْحِكَ، لَأِنِّدَا بِرَحْمَتِكَ، مُوقِناً أَنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ مُجِيرٌ، وَ لَا يَمْنَعُنِي مِنْكَ مَانِعٌ. فَعُدْ عَلَيَّ بِمَا تَعُوذُ بِهِ عَلَيَّ مِنْ اقْتِرَافِ مَنْ تَعْمُدُكَ، وَ جُدْ عَلَيَّ بِمَا تَجُودُ بِهِ عَلَيَّ مِنْ أَلْقَىٰ بِيَدِهِ إِلَيْكَ مِنْ عَفْوِكَ، وَ ائْمُنْ عَلَيَّ بِمَا لَا يَتَعَاطَمُكَ أَنْ تَمُنَّ بِهِ عَلَيَّ مِنْ أَمَلِكَ مِنْ عُفْرَانِكَ، وَ اجْعَلْ لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ نَصِيباً أَنَالُ بِهِ حَظًّا مِنْ رِضْوَانِكَ، وَ لَا تُرَدِّنِي صِغْراً مِمَّا يَنْقَلِبُ بِهِ الْمُتَعَبِّدُونَ لَكَ مِنْ عِبَادِكَ

ای خداوند، این منم که در برابر تو ایستاده‌ام، خوار و ذلیل و خاضع و خاشع و خائف و معترف به گناهان بزرگی که بارش را بر دوش می‌کشم و خطاهای عظیمی که مرتکب شده‌ام. در سایه عفو تو

خزیده ام و به جوار رحمت تو پناه جسته ام و به یقین میدانم که کسی مرا از تو پناهی نخواهد داد و کس مرا از کیفر تو در امان نخواهد داشت.

بار خدایا ، اکنون که به درگاہت روی نهاده ام ، تو نیز آن پرده که برگنه کاران می کشی بر من نیز بکش و بر من ببخشای آن بخشایش خود را که به کسی ارزانی می داری که خود را تسلیم تو می کند . بر من احسان کن ، آن سان که در حق کسی که آرزوی آمرزش تو دارد ، بار خدایا ، برای من در این روز نصیبی قرار ده که از آن به خشنودی تو رسم و مرا از ثوابی که بندگان کوشا در عبادتت به ارمغان می آورند تهیدست برمگردان.

وَ إِنِّي وَ إِن لَّمْ أَقْدِمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِيدَكَ وَ نَفْيَ الْأَضْدَادِ وَ الْأَنْدَادِ وَ الْأَشْبَاهِ عَنكَ، وَ أَتَيْتَكَ مِنَ الْأَبْوَابِ الَّتِي أَمَرْتَ أَنْ تُؤْتَى مِنْهَا، وَ تَقَرَّبْتُ إِلَيْكَ بِمَا لَا يَقْرُبُ أَحَدٌ مِنْكَ إِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِ،

ثُمَّ أَتَبَعْتُ ذَلِكَ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ، وَ التَّدَلُّلِ وَ الْإِسْتِكَانَةِ لَكَ، وَ حُسْنِ الظَّنِّ بِكَ، وَ الثَّقَّةِ بِمَا عِنْدَكَ، وَ شَفَعْتُهُ بِرَجَانِكَ الَّذِي قَلَّ مَا يَخِيبُ عَلَيْهِ رَاجِيكَ. وَ سَأَلْتُكَ مَسْأَلَةَ الْحَقِيرِ الدَّائِلِ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، وَ مَعَ ذَلِكَ خِيفَةً وَ تَضَرُّعًا وَ تَعَوُّذًا وَ تَلَوُّذًا، لَا مُسْتَطِيلًا بِتَكْبَرِ الْمُتَكَبِّرِينَ، وَ لَا مُتَعَالِيًا بِدَالَّةِ الْمُطِيعِينَ، وَ لَا مُسْتَطِيلًا بِشَفَاعَةِ الشَّافِعِينَ. وَ أَنَا بَعْدُ أَقَلُّ الْأَقَلِّينَ، وَ أَدَلُّ الْأَدَلِّينَ، وَ مِثْلُ الدَّرَّةِ أَوْ دُونِهَا،

و همانا من اگرچه پیش فرستادم آنچه از عمل صالح را که آنها پیش فرستادند پس یکتایی تو و نفی اَضداد و امثال از تو را مقدم داشته ام . و از آن درهایی که تو امر فرمودی بسویت آمدم و تقرّب یافتم بسویت ، تقرّبی که احدی به آن تقرّب راه نیافته است سپس این مسیر را با انابه و توبه و خواری و زاری در پیشگاه تو و نیک نظری نسبت به توو اعتماد به آنچه که نزد توست ، ادامه دادم، وضمیمه کردم آنرا به امید تو ، امیدی که کم است ناامید شدن به آن توسط امیدوران. مانند شخصی حقیر و خوار و نیازمند و فقیر ترسان و امان خواه از تو مسئلت دارم .باین احوال از تو می خواهم با وجود ترس و زاری و پناه خواهی و ملجأطلبی نه از روی گردنکشی و تکبر متکبران و نه از روی بلند پروازی و طاعت مطیعان و نه از روی اعتلا آن سان که عبادت کننده را دلیر سازد و نه از روی اتکا به شفاعت شافعان . ای خداوند ، من کمترین کمترانم و خوارترین خوارترانم ، همانند ذره ای یا حتی کمتر از آن.



فَيَا مَنْ لَمْ يُعَاجِلِ الْمُسِيئِينَ، وَلَا يَنْدُهُ الْمُتْرَفِينَ، وَ يَا مَنْ يَمُنُّ بِإِقَالَةِ الْعَاثِرِينَ، وَ يَتَفَضَّلُ  
 أَنَا الَّذِي .بِإِنظَارِ الْخَاطِئِينَ. أَنَا الْمُسِيءُ الْمُعْتَرِفُ الْخَاطِئُ الْعَاثِرُ. أَنَا الَّذِي أَقْدَمَ عَلَيْكَ مُجْتَرِنًا  
 عَصَاكَ مُتَعَمِّدًا. أَنَا الَّذِي اسْتَخْفَى مِنْ عِبَادِكَ وَ بَارَزَكَ. أَنَا الَّذِي هَابَ عِبَادَكَ وَ أَمِنَكَ. أَنَا الَّذِي  
 لَمْ يَرْهَبْ سَطَوَاتِكَ، وَ لَمْ يَخَفْ بَأْسَكَ. أَنَا الْجَانِي عَلَى نَفْسِهِ أَنَا الْمُرْتَهَنُ بِبَيْتِهِ. أَنَا الْقَلِيلُ  
 الْحَيَاءِ. أَنَا الطَّوِيلُ الْعَنَاءِ. بِحَقِّ مَنْ أَنْتَجَبْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ بِمَنْ اصْطَفَيْتَهُ لِنَفْسِكَ، بِحَقِّ مَنْ  
 اخْتَرْتَ مِنْ بَرِيَّتِكَ، وَ مَنْ اجْتَبَيْتَ لِسَانِكَ، بِحَقِّ مَنْ وَصَلَتْ طَاعَتَهُ بِطَاعَتِكَ،

و اینک ای خداوندی که در کیفر بدکاران شتاب نمیکنی و فرو رفتگان در ناز و نعمت را مهلت میدهی .  
 و گنهکاران را به انعام خود عفو میکنی و به فضل خویش خطاکاران را مهلت می دهی، من بدکار و  
 معترف و خطاکار و لغزیده که از روی تجرّی در برابر تو قد علم کرده ام.. دلیرانه در برابر تو مرتکب  
 گناه شده و به عمد معصیت تو کرده ام . من همانم که اعمال ناپسند خود را از بندگان تومستور داشته و  
 در نزد تو آشکارا به مخالفت بر ساخته ام . من همانم که از بندگانت ترسان بوده ولی خود را از تو در  
 امان دیده ام . من همانم که از هیبت تو بیمناک نشده ام و از خشم تو ترسی به دل راه نداده ام . من بر  
 خود جنایت کرده ام ، من گروگان بلای خویشتم ، من از شرم و حیا بهرهای چندان نبرده ام و من  
 گرفتار رنجی دیرینه ام. بار خدایا ، تو را سوگند میدهم به آن که از میان خلق او را برگزیده ای ، به آن  
 که او را برای خود پسندیده ای ، به آن که از میان آفریدگانت او را اختیار کرده ای ، به آن که او را  
 برای خود برگزیده ای ، به آن که طاعت او را به طاعت خود پیوسته ای.

وَ مَنْ جَعَلَتْ مَعْصِيَتَهُ كَمَعْصِيَتِكَ، بِحَقِّ مَنْ قَرَنْتَ مَوَالَاتَهُ بِمَوَالَاتِكَ، وَ مَنْ نُطِتَ مُعَادَاتَهُ  
 بِمُعَادَاتِكَ، تَعَمَّدَنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَتَعَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُتَّصِلًا، وَ عَادَ بِاسْتِغْفَارِكَ تَائِبًا.  
 وَ تَوَلَّيْتُ بِمَا تَتَوَلَّى بِهِ أَهْلَ طَاعَتِكَ وَ الزُّلْفَى لَدَيْكَ وَ الْمَكَانَةَ مِنْكَ. وَ تَوَحَّدَنِي بِمَا تَتَوَحَّدُ بِهِ مَنْ  
 وَفَى بِعَهْدِكَ، وَ أَتَعَبَ نَفْسَهُ فِي دَاتِكَ، وَ أَجْهَدَهَا فِي مَرْضَاتِكَ.

و معصیت او را معصیت خود دانسته ای و دوستی اش را به دوستی خود قرین ساخته ای و دشمنی اش  
 را دشمنی خود شمرده ای ، در این روز مرا چونان کسانی که از گناه بیزارای جسته اند و به تو پناه  
 آورده اند و توبه کرده و به آمرزش تو پیوسته اند خلعت عفو و رحمت خود بیوشان.  
 بار خدایا ، از هر چه پرستندگان و مقربان خود را نصیب میدهی ، مرا نیز نصیب ده . مرا خاص خود

گردان ، بدان گونه که وفا کنندگان به عهد خود را و آنان را که در عبادت تو خویشان به رنج افکنده و در خشنودی تو کوشیده اند ، خاص خود می گردانی .

وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِتَفْرِيطِي فِي جَنْبِكَ، وَتَعَدِّي طَوْرِي فِي حُدُودِكَ، وَمُجَاوِزَةَ أَحْكَامِكَ. وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي بِإِمْلَانِكَ لِي اسْتِدْرَاجَ مَنْ مَنَعَنِي خَيْرَ مَا عِنْدَهُ وَ لَمْ يَشْرُكْكَ فِي حُلُولِ نِعْمَتِهِ بِي وَ نَبَّهْنِي مِنْ رَقْدَةِ الْعَافِلِينَ، وَ سِنَةِ الْمُسْرِفِينَ، وَ نَعْسَةِ الْمَخْذُولِينَ وَ خُذْ بِقَلْبِي إِلَى مَا اسْتَعْمَلْتَ بِهِ الْفَاقِتِينَ، وَ اسْتَعْبَدْتَ بِهِ الْمُتَعَبِّدِينَ، وَ اسْتَنْقَذْتَ بِهِ الْمُتَهَاوِنِينَ.

مرا به سبب قصور در بندگی ات یا تجاوز از حد خویش و احکام تو ، مؤاخذت مفرمای . بار خدایا ، چنان مباد که مرا مهلت دهی تا به تدریج سزاوار کیفر شوم ، چونان کسی که خیر خود را از من باز گیرد و چنان پنداشت که هر خیر و نیکی که هست از جانب اوست ، تا آنجا که تو را هم در نعمتی که نصیب من شده بود شریک نساخت.

و مرا از خواب بیخبران و خواب آلودگی اسرافکاران و چرت مخدولان بیدار ساز و دلم را به راهی ببر که طاعتکاران را به آن گماشته ای و کوشش کنندگان در عبادتت را بر آن مسخر ساخته ای و مسامحه کاران را بوسیله آن رهانیده ای.

وَ أَعِدْنِي مِمَّا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ، وَ يَحُولُ بَيْنِي وَ بَيْنَ حَظِّي مِنْكَ، وَ يَصُدُّنِي عَمَّا أَحَاوِلُ لَدَيْكَ وَ سَهَّلْ لِي مَسَلَكَ الْخَيْرَاتِ إِلَيْكَ، وَ الْمُسَابَقَةَ إِلَيْهَا مِنْ حَيْثُ أَمَرْتَ، وَ الْمَشَاحَةَ فِيهَا عَلَيَّ مَا أَرَدْتُ.

بار خدایا ، مرا از هر چه از درگاه تو دور میدارد ، یا میان من و فیضی که از سوی تو به من می رسد حایل میگردد ، یا از هر قصد که نزد تو کنم باز میدارد ، در پناه خود دار ای خداوند ، آن راه خیر را که به سوی تو رهنمون است پیش پای من هموار نمای . در رسیدن به نیکیها از آن راه که خود فرموده ای ، سبقت رابر من آسان کن و تلاش برای دست یافتن به آنها را ، بدان گونه که خودخواسته ای ، نصیب من و برابم آسان فرما.

وَ لَا تَمَحَقْنِي فِيمَنْ تَمَحَقُ مِنَ الْمُسْتَحْفِينِ بِمَا أَوْعَدْتَ وَ لَا تُهْلِكْنِي مَعَ مَنْ تُهْلِكُ مِنَ الْمُتَعَرِّضِينَ لِمَقْتِكَ وَ لَا تُتَبِّرْنِي فِيمَنْ تُتَبِّرُ مِنَ الْمُنْحَرِفِينَ عَن سُبُلِكَ وَ نَجِّنِي مِنْ عَمْرَاتِ

الْفِتْنَةِ، وَ خَلَّصَنِي مِنْ لَهَوَاتِ الْبُلُوَى، وَ أَجْرَنِي مِنْ أَخْذِ الْإِمْلَاءِ. وَ حُلِّ بَيْنِي وَ بَيْنَ عَدُوِّ  
يُضِلُّنِي، وَ هَوَى يُؤَبِّقُنِي، وَ مَنْقَصَةٌ تَرْهَقُنِي

مرا همراه کسانی که وعده عذاب تو را سهل می انگارند تباه مکن و با آنان که آماج انتقام تو هستند هلاک  
منمای و با آن گروه که از طریق تو منحرف میشوند خرد و شکسته مکن.

مرا از گردابهای فتنه رهایی بخش و از تنگناهای بلا خلاصم کن و از غافلگیر شدن در امانم دار و میان  
من و دشمنی که گمراهم کند و آرزویی که هلاکم سازد و عیبی که مرا فرا گیرد حایل شو.

وَ لَا تُعْرِضْ عَنِّي إِعْرَاضَ مَنْ لَا تَرْضَى عَنْهُ بَعْدَ غَضَبِكَ وَ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْأَمَلِ فِيكَ فَيَغْلِبَ  
عَلَيَّ الْاِقْتَوُطُ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ لَا تَمْنَحْنِي بِمَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ فَتَبْهَظْنِي مِمَّا تَحْمَلْنِيهِ مِنْ فَضْلِ  
مَحَبَّتِكَ.

خدایا از من روی مگردان آنگونه که از کسانی با غضب روی بر می گردانی کسانی که از آنها خشنود  
نیستی. مرا از عطای خود نا امید مگردان که یأس از رحمتت بر من غالب شود. و به من چندان نعمتی مده  
که طاقت آن را نداشته باشم. و مرا به فزونی محبتت درگیر نکن که بر من گرانبار باشد.

وَ لَا تُرْسِلْنِي مِنْ يَدِكَ إِزْسَالَ مَنْ لَا خَيْرَ فِيهِ، وَ لَا حَاجَةَ بِكَ إِلَيْهِ، وَ لَا إِنَابَةَ لَهُ وَ لَا تَرْمِ بِي  
رَمِيٍّ مِنْ سَقَطٍ مِنْ عَيْنِ رِعَايَتِكَ، وَ مَنْ اشْتَمَلَ عَلَيْهِ الْخَرْيُ مِنْ عِنْدِكَ، بَلْ خُذْ بِيَدِي مِنْ  
سَقَطَةِ الْمُتَرَدِّينَ، وَ وَهْلَةِ الْمُتَعَسِّفِينَ، وَ زَلَّةِ الْمَعْرُورِينَ، وَ وَرْطَةِ الْهَالِكِينَ. وَ عَافِنِي مِمَّا  
ابْتَلَيْتَ بِهِ طَبَقَاتِ عِبِيدِكَ وَ إِمَانِكَ، وَ بَلَّغْنِي مَبَالِغَ مَنْ عُنِيَتْ بِهِ، وَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ، وَ رَضِيَتْ  
عَنْهُ، فَأَعَشْتَهُ حَمِيداً، وَ تَوَفَّيْتَهُ سَعِيداً

و مرا مانند کسی که خیری در او نیست و تو با او کاری نداری و بازگشتی برایش نیست به حال خود  
فرو مگذار. و مرا از نظر خود دورمینداز همان کاری را که شایسته رسوایان در گاهت است.

نه این! بلکه دستم را بگیر از خذلان سقوط از درگاهت، از وحشتی که گمراهان در راهشان ایجاد کرده  
اند و از لغزشی که مستکبران و فریب خوردگان ایجاد کرده اند و راه هلاکتی را که عده ای بنا ساخته  
اند! و عافیت بده از آن تبعاتی که بندگانت و کنیزکان دچار آن شده اند. مرا برسان به درجه کسانی که به

او عنایت داری و به او نعمت می دهی و از او خشنود هستی و زنده بودنش را ستوده و مرگش را نیکبخت قرار می دهی.

و طَوْفَنِي طَوْقَ الْإِفْلَاحِ عَمَّا يُحْبِطُ الْحَسَنَاتِ، وَ يَذْهَبُ بِالْبَرَكَاتِ وَ أَشْعِرُ قَلْبِي الْإِزْدِجَارَ عَنْ  
قَبَائِحِ السَّيِّئَاتِ، وَ فَوَاضِحِ الْحَوْبَاتِ. وَ لَا تَشْغَلْنِي بِمَا لَا أُدْرِكُهُ إِلَّا بِكَ عَمَّا لَا يُرْضِيكَ عَنِّي  
عَيْرُهُ

خدایا از آنچه که طوق گردنم می شود و موجب بطلان اعمالم می شود و برکات تو را از من می گیرد و  
قلبم را از سیئات قبیح و رسواییهای گناهان بزرگ بیوشان و مرا به آنچه که درک نمی کنم و مرا از  
خشنودی تو دور می کند مشغول مساز و به خودت مشغول دار.

وَ انْزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دُنْيَا تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ، وَ تَصُدُّ عَنِ ابْتِغَاءِ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ، وَ تُدْهِلُ  
عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْكَ. وَ زَيِّنْ لِي التَّفَرُّدَ بِمُنَاجَاتِكَ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ هَبْ لِي عِصْمَةً تُدْنِينِي مِنْ  
خَشْيَتِكَ، وَ تَقْطَعْنِي عَنْ رُكُوبِ مَحَارِمِكَ، وَ تَفُكِّنِي مِنْ أَسْرِ الْعِظَائِمِ.

خدایا از دلم محبت دنیا پست را برکن که مرا از توجه به سعادت‌های ابدی دور می کند. و از متوسل شدن  
به وسیله ای که مرا در راه تو قرار دهد باز می دارد. دل‌بستگی به دنیا مرا از تقرب به سوی تو غافل می  
سازد. خدایا زینت بده برای من کوچ شبانه را یعنی مناجات سحر گاهان را ، و علاوه برای آن روزهایم  
را با مناجات خود بیارای و مرا عصمتی بده که به خشیت از تو نزدیک گرداند و آن خشیت مانعی شود  
تا در دام حرامها نیفتم و از حرامها بازم دارد و از اسارت گناهان بزرگ رهایم سازد.

وَ هَبْ لِي التَّطَهِيرَ مِنْ دَنَسِ الْعِصْيَانِ، وَ أَدْهَبْ عَنِّي دَرَنَ الْخَطَايَا، وَ سَرِّبْنِي بِسِرِّبَالِ  
عَافِيَتِكَ، وَ رَدَّنِي رِدَاءَ مُعَافَاتِكَ، وَ جَلِّئْنِي سَوَابِعِ نِعْمَانِكَ، وَ ظَاهِرْ لَدَيَّ فَضْلَكَ وَ طَوْلَكَ وَ  
أَيِّدْنِي بِتَوْفِيقِكَ وَ تَسْدِيدِكَ، وَ أَعْنِي عَلَى صَالِحِ النَّيَّةِ، وَ مَرْضِي الْقَوْلِ، وَ مُسْتَحْسِنِ الْعَمَلِ، وَ  
لَا تَكُنْ لِي إِلَى حَوْلِي وَ قُوَّتِي دُونَ حَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ.

خدایا مرا پاک کن از چرک نافرمانی و عصیان و آلودگی به خطاها که مرا در خود فرو برده  
است. پیراهن عافیت خود را بر من بیوشان و ردایی بر من بیوشان که به عفو تو مزین باشد . و نعمتها و  
عطایای خود را بر من پیایی بفرست تا زینتی برایم باشد. مرا تأیید نما با توفیق و ارشاد خود تا در ایمانم

مستحکم باشم، یاریم ده به نیت پسندیده و کار نیک و گفتاری نیکو و عملی شایسته که مرضی تو باشد. خدایا مرا به قدرت خودت و امگذار که بنشینم تا تو کاری برایم انجام دهی.. خدایا به من قدرتی عطا نما که به نحو احسن و نیکو به امورم رسیدگی نمایم که مرضی تو باشد.

وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ تَبْعَثُنِي لِلِقَائِكَ، وَلَا تَفْضُخْنِي بَيْنَ يَدَيِ أَوْلِيَائِكَ، وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ، وَلَا تَذْهَبْ عَنِّي شُكْرَكَ، بَلْ أَلْزِمْنِيهِ فِي أَحْوَالِ السَّهْوِ عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِينَ لِأَلَانِكَ، وَأَوْزِغْنِي أَنْ أُتْنِي بِمَا أَوْلَيْتَنِيهِ، وَأَعْتَرِفَ بِمَا أَسَدَيْتَهُ إِلَيَّ.

خدایا مرا شرمنده در روز بعث و لقای خود مکن . و نزد دوستان و اولیاء خود رسوایم مکن و یاد خود را از ذهنم مبر و شکر خودت را از من بگیر بلکه در حالت غفلت و سهو و فراموشی نعمتهای خود را به ذهنم آور و ملازم من گردان. و مرا وادارکن و ملزم ساز تا به آنچه سزاوارش هستم و عطای توست ثنا گو باشم. و به نعمتهایی که بسویم فرستادی اعتراف نمایم.

وَ اجْعَلْ رَغْبَتِي إِلَيْكَ فَوْقَ رَغْبَةِ الرَّاعِبِينَ، وَ حَمْدِي إِيَّاكَ فَوْقَ حَمْدِ الْحَامِدِينَ وَ لَا تَخْذُلْنِي عِنْدَ فَاقَتِي إِلَيْكَ، وَ لَا تُهْلِكْنِي بِمَا. أَسَدَيْتَهُ إِلَيْكَ، وَ لَا تَجْبِهْنِي بِمَا جَبِهْتَ بِهِ الْمُعَانِدِينَ لَكَ، فَاتِي لَكَ مُسَلِّمٌ، أَعْلَمُ أَنَّ الْحُجَّةَ لَكَ، وَ أَنَّكَ أَوْلَى بِالْفَضْلِ، وَ أَعْوَدُ بِالْإِحْسَانِ، وَ أَهْلُ التَّقْوَى، وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، وَ أَنَّكَ بِأَنْ تَعْفُو أَوْلَى مِنْكَ بِأَنْ تُعَاقِبَ، وَ أَنَّكَ بِأَنْ تَسْتُرَ أَقْرَبُ مِنْكَ إِلَيَّ أَنْ تَشْهَرَ.

خدایا خیلی به تو راغب هستند ولی من می خواهم راغبترین به تو باشم. خدایا من می خواهم حمد و سپاسم فوق و برتر از حمد و ستایش دیگران برای تو باشد مرا هرگز در هنگام احتیاج به خودت خوار مساز. و به آنچه که بسویت می فرستم هلاکم مکن و آنرا وسیله استواری من نزد خودت نگهدار. و مرا به آنچه معاندینت جبهه سازی کرده اند محکوم مساز. پس همانا من تسلیم شما هستم. و می دانم که تو حجت کامله هستی . و تو در فضل خود اولی هستی و پناه تو برای ما احسان توست . و من پناه می برم به احسانت که تو اهل تقوی و اهل مغفرت هستی . تو به بخشندگی سزاوارتر از عقاب کردن هستی. و تو به پرده پوشی نزدیکتری تا پرده دری .

فَأَحْيَيْتَنِي حَيَاةً طَيِّبَةً تَنْتَظِمُ بِمَا أُرِيدُ، وَ تَبْلُغُ مَا أَحِبُّ مِنْ حَيْثُ لَا آتِي مَا تَكْرَهُ، وَ لَا أُرْتَكِبُ مَا نَهَيْتَ عَنْهُ، وَ أَمْتَنِي مَيْتَةً مَنْ يَسْعَى نُورُهُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ.

پس مرا حیاتی طیبه عطا فرما، تا انتظام بدهم به آنچه که اراده می کنم ، آنگونه که آنچه پسند توست بجا آورم و آنچه نا پسند تو است کراهت بدانم .و مرتکب نشوم آنچه را که نهی کرده ای. و مرا به گونه ای بمیران که سعی دارد نورش پیش روی و از سمت راستش روان گردد.

وَ ذَلَّلْنِي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ أَعَزَّنِي عِنْدَ خَلْقِكَ، وَ ضَعَّنِي إِذَا خَلَوْتُ بِكَ، وَ أَرْفَعْنِي بَيْنَ عِبَادِكَ، وَ أَعْنِي عَمَّنْ هُوَ غَنِيٌّ عَنِّي، وَ زِدْنِي إِلَيْكَ فَاقَةً وَ فَقْرًا. وَ أَعِدْنِي مِنْ شِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ، وَ مِنْ حُلُولِ الْبَلَاءِ، وَ مِنْ الذَّلِّ وَ الْعَنَاءِ،

و مرا در پیشگاه خود خوار گردان. و نزد خلقت عزت ده . و خاشع گردان مرا آنگاه که در نزدت خلوت می کنم. و درجه مرا بین بندگانت بالا ببر. و بی نیازم گردان از کسی که او نسبت به من بی نیاز است. و فقر و نیاز مرا به خودت افزایش ده.و پناهم ده مرا از شماتت دشمنان و غرق شدن در گرفتاری و بلا و ذلت و رنج و آسیبها .

تَعَمَّدْنِي فِيمَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي بِمَا يَتَعَمَّدُ بِهِ الْقَادِرُ عَلَى الْبَطْشِ لَوْ لَا حِلْمُهُ، وَ الْآخِذُ عَلَى الْجَرِيرَةِ لَوْ لَا أَنَاتُهُ وَ إِذَا أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَةً أَوْ سُوءًا فَجَنِّبْنِي مِنْهَا لَوْ آدَا بِكَ، وَ إِذْ لَمْ تُقِمْنِي مَقَامَ فَضِيحَةٍ فِي دُنْيَاكَ فَلَا تُقِمْنِي مِثْلَهُ فِي آخِرَتِكَ

از آنچه که از من میدانی (انجام گناهان) انتقام می گیری چون تو قادری بر هلاک گناهکار ، ولی حلم تو اگر نباشد این انتقام انجام می گیرد ولی حلم تو نمی گذارد این هلاکت سر انجام یابد.و اگر مدارایت نبود بر گناه مواخذه می کردی. و چون در باره قومی فتنه ای یا بدیی بخواهی پس مرا از آن نجات بده که پناهم تویی. و چون مرا در در دنیا در موقف رسوایی قرار ندادی پس مرا در آخرت در چنان موقعی قرار مده.

وَ اشْفَعْ لِي أَوَائِلَ مِنْكَ بِأَوَاخِرِهَا، وَ قَدِيمَ فَوَائِدِكَ بِحَوَادِثِهَا، وَ لَا تَمُدُّ لِي مَدًّا يَقْسُو مَعَهُ قَلْبِي، وَ لَا تَقْرَعْنِي قَارِعَةً يَذْهَبُ لَهَا بَهَائِي، وَ لَا تَسْمُنِي خَسِيسَةً يَصْغُرُ لَهَا قَدْرِي وَ لَا نَقِيسَةَ يُجْهَلُ مِنْ أَجْلِهَا مَكَانِي. وَ لَا تَرْعُنِي رَوْعَةً أُبْلِسُ بِهَا، وَ لَا خِيفَةً أُوجِسُ دُونَهَا،

خدایا از آغاز تا انتهای عمرم از نعمتهای بیشماری از سوی تو بهره گرفتم و همیشه قدر آنها را دانسته ام پس آنچه به من ارزانی داشته ای که از لطف و رحمت بیشمار تو بوده همه را با هم توأم ساز تا دچار قساوت قلب نشوم و مصیبتی مفرست که تمام بهائی را که به من داده ای از بین برود. و پستی بر من وارد مساز که ارزشها کوچک و ناچیز شمرده شود. مرا گرفتار عیبی مکن (جهل و نادانی) که جایگاهم مجهول ماند. و مرا دچار رعب و ترس نکن که نا امید شوم. و مرا بیم و ترس مده آنگونه که هر اسناک باشم.

اجْعَلْ هَيْبَتِي فِي وَعِيدِكَ، وَ حَذْرِي مِنْ إِعْدَارِكَ وَ إِندَارِكَ، وَ رَهْبَتِي عِنْدَ تِلَاوَةِ آيَاتِكَ . وَ اَعْمُرْ نَيْلِي بِإِيقَاطِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ، وَ تَفَرُّدِي بِالتَّهَجُّدِ لَكَ، وَ تَجَرُّدِي بِسُكُونِي إِلَيْكَ، وَ إِزْأَلِ حَوَائِجِي بِكَ، وَ مَنَازِلَتِي إِيَّاكَ فِي فَكَأِكَ رَقَبَتِي مِنْ نَارِكَ، وَ إِجَارَتِي مِمَّا فِيهِ أَهْلُهَا مِنْ عَذَابِكَ.

خدایا هیبتی و ترسی برای من قرار بده نسبت به وعیدها و عقابها که مرا نسبت به آن عذری ننماید. ای خداوند، رهبت و ترسم در هنگام تلاوت آیاتت قرار بده. و شبم را آباد ساز به بیداری و عبادتت. و شبم را خلوتگاه تنهایی و مناجات با خودت قرار بده. انس خودت و دوری از علائق دنیا را سبب آرامش من قرار بده. و نیازهای من و حوائج مرا فقط به سوی تو روان است. عزت من فقط در نجات از آتش توست و زنهار دادنم به اهل جهنم برای رهایی از عذاب تو.

وَ لَا تَذَرْنِي فِي طُغْيَانِي عَامِهَا، وَ لَا فِي عَمْرَتِي سَاهِيًا حَتَّى حِينٍ، وَ لَا تَجْعَلْنِي عِظَةً لِمَنْ أَعَّظَ، وَ لَا نِكَالًا لِمَنْ اِعْتَبَرَ، وَ لَا فِتْنَةً لِمَنْ نَظَرَ، وَ لَا تَمَكُّرَ بِي فِيمَنْ تَمَكَّرُ بِهِ، وَ لَا تَسْتَبِدَّنِي بِي عَيْرِي، وَ لَا تُغَيِّرْ لِي اسْمًا، وَ لَا تُبَدِّلْ لِي جِسْمًا، وَ لَا تَتَّخِذْنِي هُزُؤًا لِخَلْقِكَ، وَ لَا سُخْرِيًّا لَكَ، وَ لَا تَبْعًا إِلَّا لِمَرْضَاتِكَ، وَ لَا مُمْتَهَنًا إِلَّا بِالْإِنْتِقَامِ لَكَ.

خدایا مرا در طغیان طولانی خود رها مکن و در گرداب نادانی خود فرو مبر. و مرا مایع پند پذیران و مایه عبرت عبرت گیران قرار مده و برای ناظران موجب گمراهی مساز. و مرا در زمره گرفتاران مکر خود مگذار. و دیگری را به جای من مگذار و نامم را تغییر مده (دفتر نیکبختان) و جسمم را (دچار عقاب شدن) متغییر منماید. و مرا مضحکه خلقت و مسخره خویش قرار مده و مرا در مسیر خشنودی خودت قرار مده نه غیر از آن. و من برای انتقام گرفتن از تو و در راه تو آماده باشم نه برای انتقام گرفتن از دیگران که پستی و خواری است.

وَأَوْجِدُنِي بَرْدَ عَفْوِكَ، وَ حَلَاوَةَ رَحْمَتِكَ وَ رَوْحِكَ وَ رِيحَانِكَ، وَ جَنَّةَ نَعِيمِكَ، وَ أَذِقْنِي طَعْمَ  
الْفَرَاغِ لِمَا تُحِبُّ بِسَعَةِ مِنْ سَعَتِكَ، وَ الاجْتِهَادِ فِيمَا يُزَلِّفُ لَدَيْكَ وَ عِنْدَكَ، وَ أَتَحْفَنِي بِتُحْفَةٍ مِنْ  
تُحَفَاتِكَ.

خدایا مرا به خنکی عفو و حلاوت گذشت و رحمت خود و روح و ریحانت و نعمتت در بهشت کامیاب  
گردان و طعم فراغت را در گزاردن آنچه تو دوست میداری (آنچه که تو دوست داری که من از آن جدا  
شوم) و طعم مجاهدت را در آنچه موجب تقرب به درگاه توست به من بچشان و مرا تحفه ای از تحفه  
های خود عطا فرما.

وَ اجْعَلْ تِجَارَتِي رَابِحَةً، وَ كَرَّتِي غَيْرَ خَاسِرَةٍ، وَ اخْفِنِي مَقَامَكَ، وَ شَوْفِي لِقَاءَكَ، وَ تَبِّ عَلَيَّ  
تُوبَةً نَصُوحًا لَا تُبْقِي مَعَهَا ذُنُوبًا صَغِيرَةً وَ لَا كَبِيرَةً، وَ لَا تَذَرْ مَعَهَا عَلَانِيَةً وَ لَا سَرِيرَةً.

و تجارت من را سودمند کن و آن تجارت را بی ضرر کن. مرا از مقام خودت بترسان تا در همه جا تو را  
شاهد بگیرم. مرا مشتاق لقاء خودت گردان. هر خطایی کردم توبه نصوح نصییم کن که بازگشتی به گناه  
چه صغیره و چه کبیره و چه آشکارا و چه نهان نداشته باشم.

وَ انْزِعِ الْعِلَّ مِنْ صَدْرِي لِلْمُؤْمِنِينَ، وَ اعْطِفْ بِقَلْبِي عَلَى الْخَاشِعِينَ، وَ كُنْ لِي كَمَا تَكُونُ  
لِلصَّالِحِينَ، وَ حَلِّئِي حِلْيَةَ الْمُتَّقِينَ، وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْغَابِرِينَ، وَ ذِكْرًا نَامِيًّا فِي  
الْآخِرِينَ، وَ وَا فِ بِي عَرِصَةَ الْأَوْلِيَيْنِ. وَ تَمِّمْ سُبُوحَ نِعْمَتِكَ، عَلَيَّ، وَ ظَاهِرُ كَرَامَاتِهَا لَدَيَّ،

کینه مومنین را از دلم بردار. بر هر کس و در مقابل هر کس که خاشع است قلبی خاشعانه نصییم گردان. و  
با من چنان باش که با بندگان صالحت هستی. و مرا به زینت پرهیزگاران زینت ده. برای من ذکر خیری  
برای گذشتگان و آوازه روز افزونی در آیندگان قرار بده. نمای و در روز رستاخیز مرا در زمره آنان که  
بایامیر تو مهاجرت کردند در آور بار خدایا، مرا فراخی نعمت ده به حد کمال و کرامتهای آن از پی  
یکدیگر به من ارزانی دار.

املاً مِنْ فَوَائِدِكَ يَدِي، وَ سَقِّ كَرَامَتِ مَوَاهِبِكَ إِلَيَّ، وَ جَاوِرِ بِي الْأَطْيَبِينَ مِنْ أَوْلِيَائِكَ فِي الْجَنَانِ  
الَّتِي زَيَّنْتَهَا لِأَصْفِيَائِكَ، وَ جَلَّلْنِي شَرَائِفَ نِحْلِكَ فِي الْمَقَامَاتِ الْمُعَدَّةِ لِأَحِبَّائِكَ.



دستم را از فوائد نعمتهای خود پر کن. و سوق بده موهبتهای و الطاف کریم خود را بر من. و مرا همجوار کن بر همسایگان و اولیاء پاکت در بهشتی که زینت برای بر گزیدگان خود قرار دادی. و برای من آن مقام ارزشمند و بزرگ را که برای دوستانت آماده کرده ای ، بر من نیز ببوشان.

وَ اجْعَلْ لِي عِنْدَكَ مَقِيلًا اَوْيَ اِلَيْهِ مُطْمَئِنًّا، وَ مَثَابَةً اَتَّبُوْهَا، وَ اَقْرُّ عَيْنًا، وَ لَا تُقَايِسْنِي بِعَظِيْمَاتِ الْجَرَائِرِ، وَ لَا تُهْلِكْنِي يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ، وَ اَزِلْ عَنِّي كُلَّ شَكٍّ وَ شُبْهَةٍ، وَ اجْعَلْ لِي فِي الْحَقِّ طَرِيْقًا مِنْ كُلِّ رَحْمَةٍ، وَ اَجْزِلْ لِي قِسْمَ الْمَوَاهِبِ مِنْ نَوَالِكَ، وَ وَفِّرْ عَلَيَّ حُظُوْظَ الْاِحْسَانِ مِنْ اِفْضَالِكَ.

خدایا برای من جایگاهی مطمئن نزد خود قرار بده تا با آرامش در آن بیارامم و منزلی که در آن مسکن گزینم و دیده را به آن روشن سازم. و عقوبت مرا با گناهان بزرگم مسنج و مرا در آن روز قیامت که اسرار آشکار شود هلاک نکن، و هر شک و شبهه ای را از دلم بزدا و برای رسیدن به حق ، طریق رحمت خود را به من نشان بده و مرا در آن قرار بده، و بهره های مواهیم را از عطای خود سرشار کن و بهره های احسانت از فضلت را بر من فراوان ساز.

وَ اجْعَلْ قَلْبِي وَاثِقًا بِمَا عِنْدَكَ، وَ هَمِّي مُسْتَفْرَعًا لِمَا هُوَ لَكَ، وَ اسْتَعْمِلْنِي بِمَا تَسْتَعْمِلُ بِهِ خَالِصَتَكَ، وَ اَشْرِبْ قَلْبِي عِنْدَ ذُهُولِ الْعُقُولِ طَاعَتَكَ، وَ اجْمَعْ لِي الْغِنَى وَ الْعَفَافَ وَ الدَّعَاةَ وَ الْمُعَافَاةَ وَ الصَّحَّةَ وَ السَّعَةَ وَ الطَّمَأْنِيَةَ وَ الْعَافِيَةَ.

و دلم را به آنچه نزد تو است مطمئن قرار ده .هم مرا یکسره به کار خود مبذول دار. و مرا بکاری بگمار که خاصان خود را بر آن گماردی و هنگام غفلت عقلها ، طاعتت را در دلم بیامیز و برایم بی نیازی ، و عفاف و پاکدامنی و آسایش و آرامش و تندرستی و وسعت زندگی و طمأنینه و عافیت را فراهم ساز.

وَ لَا تُحِبِّطْ حَسَنَاتِي بِمَا يَشُوْبُهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ، وَ لَا خَلَوَاتِي بِمَا يَعْرِضُ لِي مِنْ نَزَعَاتِ فِتْنَتِكَ، وَ صُنْ وَجْهِي عَنِ الطَّلَبِ اِلَى اَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِيْنَ، وَ ذُبْنِي عَنِ التَّمَاسِ مَا عِنْدَ الْفَاسِقِيْنَ. وَ لَا تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِيْنَ ظَهِيْرًا، وَ لَا لَهُمْ عَلَيَّ مَحْوِ كِتَابِكَ يَدًا وَ نَصِيْرًا، وَ حُطْنِي مِنْ حَيْثُ لَا اَعْلَمُ حِيَاظَةَ نَفْسِي بِهَا،

حسنات مرا در آن لحظاتی که به معصیت آمیخته شده وارد نکن و خلوت‌هایم را درگیرفتنه‌ها و مفساد ذهنی نکن و عزت نفس مرا ننگه دار از اینکه به یکی از مخلوقینت نیاز پیدا کنم. و از طلبیدن آنچه نزد فاسقان است دورم گردان و مرا پشتیبان ستمکاران قرار مده بر مو کتابت که دست و دستیار ایشان گردم. و از من دور کن همدلی و همدستی با آنان را در مو کتاب خود و در امان دار و محافظتم کن.

وَ افْتَحْ لِي اَبْوَابَ تَوْبَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ رَأْفَتِكَ وَ رِزْقِكَ الْوَاسِعِ، اِنِّي اِلَيْكَ مِنَ الرَّاعِبِينَ، وَ اَتَمِّمْ لِي اِنْعَامَكَ، اِنَّكَ خَيْرُ الْمُنْعَمِينَ

و برای من بگشای درهای توبه ات و درهای رحمتت و مهربانیت را و وسعت رزقت را. همانا من از روی آورندگان در گاهت هستم و انعامت را در باره ام کامل ساز زیرا که تو بهترین نعمت دهندگانی.

وَ اجْعَلْ باقِيَ عُمْرِي فِي الْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ ابْتِغَاءً وَجْهَكَ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى اللهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ اَبَدًا اَبَدِيْنَ

بار خدایا باقی مانده عمرم در حج و عمره برای خشنودی خود سپری ساز. ای پروردگار جهانیان، و درود بر محمد و آتش طیبین و طاهرین و درود جاودانه بر او و همه اهل بیت (ع).

والسلام على من اتبع الهدى

منابع:

فرهنگ لغات نوین - قاموس قرآن (علی قریشی)

منشور عقاید امامیه- ایت الله سبحانی

میزان الحکمه - محمدی ری شهری

حکمت نامه پیامبر اعظم(ص)-محمدی ری شهری